



روزنامه فرهنگی - اجتماعی صبح ایران
ما صاحب‌امتیاز؛ سازمان صداوسیماى جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی

دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴ | ۲۰ شعبان ۱۴۴۷
۱۶ صفحه روزنامه
سال بیست‌وششم | شماره ۷۲۵۹
Monday | 9 February | 2026

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدير، شماره ۱۲۹ | تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۰۴۰۰۰
دورنگار تحریریه: ۰۲۳۰۰۴۴۳۳ | سازمان توزیع: ۰۶۱۹۳۳۰۰۰ | کدپستی: ۱۹۱۱۱۸۴۱۳
امور مشترکین: ۰۶۱۹۳۳۱۱۴ | سازمان آگهی‌ها: ۰۴۹۱۰۵۰۰۰ | شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰

پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه، www.jamejamdaily.ir
چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

امروز در تاریخ

عملیات والفجر ۸، فتح فاو/ ۱۳۶۴

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۲:۱۸
غروب آفتاب: ۱۷:۴۰
اذان مغرب: ۱۷:۵۹
نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۶
اذان صبح فردا: ۰۵:۳۲
طلوع خورشید فردا: ۰۶:۵۷

حکمت

امام علی (ع): کوتاهی کردن، مصیبت توانایان است. اصول کافی

شمیم‌رحمت

پیامبر اکرم (ص): هر کس که خداوند برای او خیر بخواهد دوستی شایسته نصیب وی خواهد کرد. / کنز العمال

مشق عشق

وصیت‌نامه شهید محمدعلی خودسیانی: «برادران به مظلوم کمک کنید و نگذارید کسی مظلوم واقع شود. هر کجا ظلمی روا شود به کمک مظلوم بشتابید.»

یادداشت
دکتر عبدالرضاها‌دی‌زاده‌ناتانی | روزنامه نگار ارشد

داستان و کارنامه منتقدان نقدناپذیر

در میانه جنگ پیچیده ادراکی که دشمن با تمام قوا به پیش می برد، سنگر رسانه ملی بار دیگر هدف نقدهایی قرار گرفته که بیش از آن که ناظر بر تقویت این خط دفاعی باشد، گاه رنگ تعارضات درونی و معیارهای دوگانه را به خود می‌گیرد. یادداشت اخیر روزنامه جوان درباره نقش صداوسیما در مقابله با «تروریسم رسانه‌ای» با وجود دغدغه قابل احترام به امنیت ادراکی جامعه، ناخواسته پرده از تناقضی بزرگ‌تر برمی‌دارد؛ تناقض در رفتار و گزینشی بودن در نقد.

در این رابطه باید گفت؛

۱- جریانی که خود را ناصح‌گفتمان انقلاب می‌داند، زمانی شایسته این جایگاه است که مسئولیت‌پذیری و ثبات معیار، ستون‌های هویت او باشد. اما تاریخ تعامل این جریان با رسانه ملی، روایتی است از نوسان میان همراهی و هجمه، سکوت و فریاد. آیا نقدی که فقط در دوره‌های آرام و بر اساس ترجیحات جناحی جاری می‌شود، می‌تواند طعم انقلابی‌بودن را حفظ کند؟ و آیا انقلابی بودن با تمجید و چکامه نوشتن در فراغ قلم‌هایی که بعد از جنگ ۱۲ روزه آمریکایی- صهیونی نقشه تغییر پارادایم نظام جمهوری اسلامی را ترسیم می‌کردند و برای حاکمیت خط و نشان می‌کشیدند و اکنون به هر دلیل در غلاف رفته، تناسب دارد؟ چه شده که تئوری‌پردازان جریان قائل به این‌که در جنگ ۱۲ روزه ایران پیروز شد و جمهوری اسلامی شکست خورد! از نگاه نویسنده مقاله روزنامه انقلابی جوان جایشان در بین اصحاب قلم و مطبوعات خالی است و صدا و سیمایی که با ۱۱ موشک توسط اف ۳۵ های رژیم صهیونی هدف قرار گرفت، شایسته تهمت ایجاد ناترازی محتوایی و عدم رویکرد انقلابی؟! اکنون باید مشخص شود آن که «کلامش به دیوار خورده است» چه سهمی در تقویت گفتمان رسانه‌های معاند در داخل کشور داشته و صدا و سیما چقدر؟ از او تجلیل می‌شود و این یکی تخریب!

۲- این پرسش هنگامی جدی‌تر می‌شود که به رفتار این جریان در مقاطع حساس نظر کنیم. نه فقط در ماجرای جنگ تحمیلی اخیر ۱۲ روزه که در اوج آشوب‌های اخیر هم، هنگامی که صداوسیما سنگر تبیین و افشا در برابر موج سازمان‌یافته تحریف و تهدید و تخریب بود، پیکره آن را نشانه رفته بود، فریاد حمایت این جبهه خودی کجا بود؟ آیا همان شور و حمایتی که امروز در نقد طلب می‌کند، دیروز در دفاع از این سنگریولادین نشان داد؟ یا سکوت اختیار کرد تا نتیجه شبه کودتا، جهت نقدش را تعیین کند؟ این سکوت بحرانی و نقد دوره آرام، بیش از هر چیز از مصلحت‌اندیشی خبر می‌دهد که با ادعای خط‌شکنی در جنگ ادراکی ناسازگار است.

۳- تناقض دیگر در جایی است که در مقاله روزنامه جوان، صدا و سیما به دلیل استفاده از سلبریتی‌ها مورد نقد قرار می‌گیرد. به یاد عزیزان می‌آوریم در ابتدای دوره تحول رسانه ملی برخی مجموعه‌های دانشجویی همسو با روزنامه وزین جوان عملکرد مدیریت جدید را با محوریت موضوعاتی چون پرونده عادل فردوسی‌پور به چالش کشیدند و رئیس جدید سازمان را در آن جلسه محاکمه کردند که چرا سلبریتی‌ها را طرد کرده‌اید؟ گرچه ماجرای عادل به قیل از دوره تحول مربوط می‌شد، این دوستان طبیعی است که امروز نمی‌توانند مدعی ضرورت به‌کارگیری نیروهای انقلابی و مطالبه «حذف چهره‌های مساله‌دار» شوند. چنین مطالبه‌ای زمانی معتبر است که در همان مقطع، نسبت به طرح پرسش‌های غیرراهبردی و حاشیه‌ساز نیز موضع‌گیری صریح و شفاف‌ی صورت می‌گرفت.

همچنین، هنگامی که خبرگزاری‌های هم‌سو با این جریان، صداوسیما را به دلیل قطع همکاری برخی سلبریتی‌های فرصت‌طلب در فتنه‌های سال‌های اخیر با رسانه ملی به شدت مورد حمله قرار می‌دادند، انتظار می‌رفت روزنامه جوان در جایگاه رسانه‌ای همسو، از رسانه ملی حمایت کرده و نسبت به رویکرد جریان‌های نزدیک به خود نیز موضع روشن و مسئولانه اتخاذ کند. نبود چنین رویکردی، امروز پرسش‌های جدی درباره انسجام گفتمانی و ثبات مواضع این رسانه ایجاد می‌کند. آیا معیار، اصول انقلابی مشخصی است یا همسویی یا عدم همسویی با ترجیحات جناحی لحظه‌ای؟

۴- راه برون‌رفت از این وضعیت بی‌گمان عبور از این نقدهای جناحی و حرکت به سمت «نظریه‌ای یکپارچه» برای کنش رسانه‌ای در جمهوری اسلامی است. صداوسیما به عنوان نهادی فراجناحی، نیازمند حمایتی استوار، نقدی سازنده و غیرمصلحت‌جویانه و راهبردهای کلانی است که از وقایع همه جریان‌های اصیل انقلابی زاده شود. انرژی این نهاد ملی نباید مصروف پاسخ به اتهامات گزینشی شود؛ باید اجازه داد تمام توانش بر میدان اصلی نبرد متمرکز شود؛ مقابله با پروژه مهندسی‌شده دشمن برای تغییر بنیادین پارادایم حکمرانی.

وظیفه نخست همه جریان‌های انقلابی، وحدت رویه و وفاداری به معیارهایی ثابت است. نقدی که امروز بر صداوسیما وارد می‌شود، اگر برخاسته از انصاف و اصول نباشد، فردا علیه هر نهاد دیگری که مطابق میل جناحی عمل نکند، به کار خواهد رفت. این چرخه، تنها به تضعیف درونی جبهه انقلاب می‌انجامد.

امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند همگرایی و برادری بر سر اصولی ثابت، شفاف و فراجناحی برای تبیین حق و مقابله با باطل هستیم. این همگرایی، بزرگ‌ترین سنگری است که می‌توان در جنگ سخت ادراکی عصر حاضر، استوار ساخت. آیا ما برای ساختن این سنگر متحدیم؟

بیشترین تعداد چاه‌های عمیق کشور در کدام استان هاست؟



آب زیرزمینی در ایران به چه صورت برداشت می‌شود؟



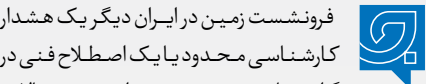
بیشترین میزان برداشت آب زیرزمینی از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۰ در جهان



تحریف رسانه‌ای روایت اپستین

سنخیت با شیطان بزرگ، در خبررسانی و روایت اپستین مسیر بلندگوی قدرت مخفی رهبری‌کننده این نمایش را به عهده می‌گیرند. بلندگویی که همه شبکه‌های اجتماعی و فضای خبری مجازی و رسانه‌های کاغذی و تصویری را دربر می‌گیرد. در این روایت، همه ماجرا از یک اتفاق «اتفاقی»، از یک شکایت دختری ۱۴ ساله و تجاوزشده از اپستین شروع می‌شود و به این رسوایی جهانی ختم می‌گردد و خوب اگر دقت کنیم، تأثیر روانی کل ماجرا، مبین و نشان قدرت خود تصحیح دموکراسی لیبرال غرب آمریکا و ارزش‌های نهادینه آزادی بیان آمریکایی است!!! چنین تصویری بلاهت‌بارترین درک از نظام قدرت جهانی و حقیقت این ماجرا را ارائه می‌دهد. تصویری برای تعمیق و پنهان‌کردن حقیقت هولناک یک وانموده و یک امر دوزخی درباره تقدیر قدرت شیطانی در مدرنیته متاخر. باید بر طبق همه مدارک و اسناد درباره خصوصیات وجودی نظم بهره‌کشی و سلطه‌گری مخوف جهان موجود، این ماجرا را دنبال کرد؛ ماجراجویی که وحشیگری، خشونت، فساد و زورگویی، روح عصبانی و متفرعن و خونریز و خودسر سازمان‌یافته نظام جهانی را فاش می‌سازد. رفتاری ضدبشری و دادگری، در قالب نظام سیاسی فریبکار و سرکوبگر و مناسبات سیستماتیک و ساختاری اقتصادی ستمگرانه و سیطره‌خواه را افشا می‌کند و نهادهای ملی و بین‌المللی حافظ امنیت این قدرت فرعون‌ی، جنایت‌بار، ظالمانه جهانی و تبهکار و چتر مادی‌گرایی و ضدالهی جهان‌بینی و افق نظم مدرن و سرمایه‌سالاری جهانی را از یک سو و قدرت طراحی برای اداره نظام استثماری و اسراف‌اترافی و مصرف‌گرایی تکنولوژیک می‌بارورالایی‌کردن همه چیز از شرافت و اخلاق تا خصوصی‌ترین مناسبات جنسی و ترویج سیستماتیک و ساختاری فحشا و حرامکاری و زیر پا نهادن اصول الهی و حتی عقلی در مناسبات فردی و اجتماعی و رواج انواع فسادها به صورت قانونی و زیرزمینی مخفی در عالی‌ترین نهادهای قدرت را رسوا می‌نماید، اعمالی که از کشتار کودکان و نسل‌کشی و آذمخواری تا هنجس‌گرایی تا تجاوز به محارم و کودکان و تعویض همسران در پارتی‌های جنون‌بارو... را دربر می‌گیرد.

آیا تقلیل پدیده اپستین و پایتخت حقیقی جهان قدرت مدرن، جزیره اپستین، این پایگاه نمایش و هم‌قتل خدا و نیست‌انگاری مدرنیته که نیچه آن را



فرونشست؛ بحران بی‌صدای زیر پای شهرها و دشت‌ها

فرونشست زمین در ایران دیگر یک هشدار کارشناسی محدود یا یک اصطلاح فنی در گزارش‌های تخصصی نیست؛ این پدیده حالا به بحرانی خاموش تبدیل شده که زیر پای شهرها، روستاها و زمین‌های کشاورزی در حال گسترش است. ترک‌هایی که بر دیوار خانه‌ها می‌نشیند، شکستگی‌هایی که در جاده‌ها و خطوط ریلی دیده می‌شود و نشست آرام اما مداوم زمین در دشت‌ها، همگی نشانه‌های بحرانی هستند که سال‌هاست شکل گرفته و اکنون به مرحله‌ای رسیده که آثار آن دیگر قابل پنهان‌کردن نیست.

ایران کشوری خشک و نیمه‌خشک است و بخش بزرگی از حیات اقتصادی و اجتماعی آن به آب‌های زیرزمینی وابسته بوده است. با کاهش بارندگی، تداوم خشکسالی‌های پاییزی و فشار روزافزون جمعیت و کشاورزی، نگاه‌هایش از پیش به اعماق زمین دوخته شد. چاه‌های عمیق، که ابتدا به‌عنوان راه‌حلی اضطراری برای کم‌آبی مطرح بودند، به تدریج به گزینه‌ای دائمی تبدیل شدند. این وابستگی بی‌وقفه به آب‌های زیرزمینی، بدون توجه به ظرفیت طبیعی سفره‌ها، زمینه‌ساز فرونشستی شد که امروز در بخش‌های وسیعی از کشور مشاهده می‌شود.

فرونشست زمانی رخ می‌دهد که آب موجود در لایه‌های زیرین خاک بیش از حد برداشت می‌شود و فضای خالی ایجادشده دیگر امکان پرشدن مجدد ندارد. در چنین شرایطی، خاک فشرده می‌شود و سطح زمین به صورت تدریجی پایین می‌رود؛ فرآیندی که در بسیاری موارد برگشت‌ناپذیر است. کارشناسان هشدار می‌دهند در برخی دشت‌های ایران، نرخ فرونشست به چندین برابر حد بحرانی رسیده و این یعنی زمین، برای همیشه بخشی از ظرفیت خود را از دست داده است. نقش چاه‌های عمیق در این میان تعیین‌کننده است. حفر چاه‌های غیرمجاز یا بهره‌برداری بیش از حد از چاه‌های مجاز، باعث تخلیه لایه‌هایی از آب می‌شود که هزاران سال طول کشیده تا شکل بگیرند. برخلاف تصور رایج، دسترسی به آب‌های عمیق‌تر به معنای امنیت بیشتر نیست؛ بلکه نشانه نزدیک‌شدن به مرز فروپاشی منابع زیرزمینی است. هرچه عمق چاه‌ها بیشتر می‌شود، سرعت احیای سفره‌ها کمتر و

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

باید پدیده اپستین را عمیقاً شناخت و وسیعاً به مجالی برای گفت‌وگوی اسلامی در سطح ملی و منطقه‌ای بدل کرد. بسیج اساتید و علمای دانشگاه و حوزه‌ها، جامعه‌شناسان، سیاستمداران، متفکران اجتماعی و فرهنگی و سفر به میان مردم در سراسر ایران و نشست‌های همگانی مردمی و علمی برای شناسایی عمیق این فساد هولناک و دفاع از حکمرانی دینی، تکلیف ماست. روحیه فشل و موانع غرب‌گرایان را باید پشت سر گذاشت و حکومت ایران باید وظیفه راه انداختن یک جنبش فرهنگی ملی علیه فساد را در رسانه‌ها و به طور بلاواسطه در گرده‌مایی‌های مردمی، جدی بگیرد و نشان دهد علت دشمنی جهان کفر و قدرت‌های پلشت با انقلاب اسلامی، نظامی الهی و رهبری الهی و پاک آن درست اینجاست! تقابل صراط مستقیم و استقامت با حق و برای حق، طهارت و کرامت انسانی علیه صراط شیطان، سلطه نفس و سلطه گناه و فساد. وزارت فرهنگ و ارشاد، مساجد، دانشگاه‌ها و مدارس سراسر ایران باید به نشست‌هایی با حضور متفکران مبز و علمای مشهور حوزه‌ها، اساتید سیاست و مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسان متدین که به هر شهر سفر می‌کنند، عمق این پدیده را به گفت‌وگو بگذارند. این ترویج و آگاهی‌گری باید بر شناخت ژرف استوار باشد. معرفت عمیق در باره جزیره اپستین چیست؟ آیا باید دنباله‌رو بازی و وانموده رسانه‌های شیطان بزرگ باشیم؟ یا بنگاه‌فرآئی و بحث تخصصی و مبتنی بر پژوهش‌های وسیع و ارائه براهین و مدارک تاریخی، سیاسی و اجتماعی حقیقت عمیق راه‌آگاهی اجتماعی در ایران و منطقه و مسلمانان جهان و مردم دنیا بدل سازیم و از کشور خود و استان‌ها و شهرها شروع کنیم و رسانه ملی نقش بزرگ خود را ایفا کند. مردم باید دریابند و سربلند باشند که انقلاب اسلامی نظامی مبتنی بر پاک‌ترین سرپرستی و رهبری الهی و ولایت فقیهان متقی، پاکیزه، مومن و خرم‌مدن را تاسیس کرد و سلطه‌گری سرمایه‌سالاری جهان مدرن و استکبار جهانی صهیونی، رهبری اهل فحشا و متجاوزان حرامکار پلید را بر مردم غرب تحمیل نمود.

که‌کشان تزویر، رسانه‌های جهانی سرمایه‌سالاری غرب، خدمتگزار زیرپستان جهانی یهودیت فرعون‌ی، اکنون در حال اجرای نمایش و وانموده جزیره اپستین است. متأسفانه رسانه‌های غیرآمریکایی، داخلی و خارجی، گاه نادانسته و گاه به سبب